

# نگاهی به روان‌شناسی دینی حبّ و بغض

یدالله کوثری

پژوهشگر پژوهشکده تحقیقات اسلامی

## چکیده

در طوفان امواج بلاخیز دریای حوادث که از هر سو بر سر بشریت فرود می‌آید و او را به کام گردابهای مخوف تباهی و بی‌هویتی سوق می‌دهد، هنگامه غربال شدن مردمان است. در این آشفته بازار تنها کسانی جان سالم به در می‌برند که خدای مقلب القلوب، قلبهایشان را در دین خود ثابت نگه دارد و آنان کسانی هستند که دل خویش را با اکسیر حبّ و بغضها یکسره زیر سایه ولایت الهی و در قلمرو حبّ و بغض توحیدی درآورند. اهل ایمان در بازار رونق تجارت، کیمیای وجود، یعنی دل را، جز با خدا به معامله نمی‌گذارند. آنان دل را حتی در تملک خویشتن محبوس نمی‌کنند. آن را به خدای عزیز می‌سپارند تا آنچه محبوب اوست، در آن جای دهد و آنچه مبعوض است، از آن بیرون کند.

از جمله ساحات وجود آدمی، بُعد عاطفی اوست. عواطف از ابعاد مهم شخصیت انسان است. گرایش‌های عاطفی در طرز سلوک و نوع کنش‌وری و راه اندازی رفتار و شکل دهی شخصیت نقش به‌سزایی دارند. دشمنیها و دوستیها به عنوان محور عاطفه ورزی در آدمی می‌تواند در جهت‌گیری صلاح و فساد حرکت آدمی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نماید. مقاله حاضر به بررسی نقش حبّ و بغض در سبک سلوک، طرز رفتار و نوع شکل‌گیری شخصیت انسان و برخی آثار و پیامدهای این موضوع مهم پرداخته است.

واژگان کلیدی: حبّ و بغض، روان‌شناسی، دین، روان‌شناسی حبّ و بغض

## مقدمه

دینداری از جمله مؤلفه‌های اساسی در ساختار شخصیت انسان به شمار می‌رود. امروزه در جامعه اسلامی مطالعه و پژوهش درباره عناصر اثربخش بر سطح دینداری اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

حبّ و بغض و دوستی و دشمنی در راه خدا و نوع گرایشها و ارتباطات عاطفی و امور وابسته به آن به عنوان عناصر مؤثر بر تدین مورد تأکید است. امام صادق (ع) در روایتی ایمان را منحصر در حبّ و بغض بیان فرموده است.<sup>۱</sup>

از این رو توصیف و تحلیل حب و بغض به عنوان یک پدیدهٔ درونی - روانی و گرایش مهم عاطفی در وجود انسان می‌تواند در هدایت دینی و شکل‌گیری شخصیت مؤثر و در تعمیق ابعاد دینداری در جامعه اثرگذار باشد. شایان گفتن است که مقاله حاضر، تنها یک پژوهشی است مقدماتی در این زمینه که با روی آوردن درون دینی به توصیف و تحلیل موضوع حبّ و بغض از دید روان‌شناختی می‌پردازد و البته پرونده این بحث برای بررسی‌های تفصیلی همچنان مفتوح است.

### اهمیت

هر انسانی با درون‌نگری می‌داند محبت و میل، بغض و نفرت در نهاد انسان وجود دارد و تمام اعمال، رفتار و حالات آدمی به شکلی به حبّ و بغض و خواستن و نخواستن او باز می‌گردد در واقع همین پدیدهٔ درونی - روانی منشأ اعمال ارادی و اختیاری انسان می‌شود. از این رو پرداختن به موضوع حبّ و بغض و بازشناسی چارچوب هنجارمند برای کاربری آن اهمیت خاصی پیدا می‌کند به ویژه که در احادیث معصومین علیهم السلام گاه تعبیری پیرامون این موضوع مشاهده می‌شود که مؤید اهمیت بیشتر آن است. به طور مثال وقتی از حضرت امام صادق علیه السلام در بارهٔ حب و بغض می‌پرسند، می‌فرمایند: «هل الايمان الا الحبُّ و البغض»<sup>۲</sup> آیا ایمان جز حبّ و بغض است؟! گویی تمام ایمان و دین بر محور حبّ و بغض می‌چرخد. لذا بررسی پدیدهٔ حب و بغض در چارچوب شناسایی و توصیف شخصیت بهنجار دینی و قرآنی دارای اهمیت ویژه است.

### مفهوم شناسی

«روان شناسی»: مقصود از روان‌شناسی در اینجا به صورت اجمال، «مطالعهٔ علمی رفتار و فرایندهای روانی انسان» است که در چهار سر مشق مسلط در جهان روان‌شناسی کلاسیک مطرح است:

۱. روان تحلیل‌گری؛ ۲. رفتار نگری؛ ۳. شناخت نگری؛ ۴. انسان نگری.

اصطلاح «روان‌شناسی دینی» یک ترکیب صفت و موصوفی است و مقصود از آن عبارت است از روان‌شناسی که به عنوان یک شاخهٔ علمی در بستر فرهنگ دینی تکوّن و رشد می‌یابد، به این صورت که با استفاده از مبانی و پیش فرض‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی،

روان‌شناسی سامان می‌گیرد، که اگر مبانی و پیش‌فرض‌هایی که گفته شد از اسلام گرفته شود، محصول آن «روان‌شناسی اسلامی» خواهد بود.<sup>۲</sup>

«حب و بغض»: حبّ یعنی رغبت و بغض یعنی نفرت. غزالی حب و بغض را چنین تعریف کرده است: «حبّ عبارت است از میل طبع به شیئی که در ادراکش لذت است و بغض نفرت طبع به شیئی که در ادراکش درد و تعب و سختی نهفته است.<sup>۴</sup> صدر المتألهین گفته است: حبّ عبارت است از ابتهاج نفس به شیئی که موافق طبیعت انسان باشد، اعم از اینکه آن شیء یک امر حسّی باشد یا عقلی، حقیقی باشد یا باطنی.<sup>۵</sup>

پس محبت نوعی جذب و انجذاب است که ملاک آن ملائمتی است که آن موجود با محبوب خود دارد، و در حقیقت حالتی است که در دل یک موجود ذی‌شعور نسبت به چیزی که با وجود او ملائمت و با تمایلات و خواسته‌های او تناسب دارد، پدید می‌آید.<sup>۶</sup> و در اصطلاح به معنای میل و رغبت و یا کراهت و نفرتی که در راه خدا، برای او به خاطر او بوده باشد.<sup>۷</sup> جهت دهی و کاربرست بهنجار و صحیح حب و بغض زمینه‌ساز رشد و شکوفایی شخصیت و نیز باعث تکامل و تعالی روحی و معنوی می‌شود، چه اینکه ناسامانی در الگوی حب و بغض منجر به بروز اختلالات اضطراب و تشویش و نابهنجاری روحی و روانی می‌گردد.

«تحلیل روان‌شناختی حب و بغض»: تحلیل روان‌شناختی یعنی: فرآیند توصیف علمی، طبقه‌بندی، بررسی پیدایش و فرآیند رشد، علت‌شناسی، آسیب‌شناسی و بیان پیامدهای مورد انتظار از یک پدیده روان‌شناختی، نوشتار حاضر با هدف بررسی حب و بغض با رویکرد درون‌دینی به آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام به توصیف و تحلیل آن از دید روان‌شناختی پرداخته است.<sup>۸</sup>

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از منابع و نصوص دینی و اسلامی و کتب معتبر علم روان‌شناسی به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده و با روی آورد تطبیقی بررسی شده است. با امید به آنکه در آینده در این قلمرو پژوهشهای تفصیلی صورت پذیرد.

### پیشینه و گستره

آدمی صاحب نعمت ارزشمند آزادی و اختیار است و سعادت و شقاوت او مرهون اعمال اختیاری وی است، منشأ شکل‌گیری اراده، شوق درون و رغبت و میل روانی و یا کراهت و نفرت

درونی است. یک انسان سالم نمی‌تواند در مسیر زندگی خود نسبت به تمام اشیاء و افراد بی‌تفاوت و یا یکسان نگر باشد؛ چرا که هر انسان سالم و عاقلی در زندگی ارزشها و هدفهایی دارد و طبیعتاً در مسیر نیل به اهداف خود نسبت به اموری راغب است و محبت می‌ورزد و از اموری نفرت دارد و کراهت می‌جوید. این نکته به عنوان یک اصل قرآنی در نظام آفرینش انسان، خط و مشی تمام کنش‌وریه‌های آدمی را تعیین می‌کند.

از پیامدهای گرایش به استفاده از روش علوم تجربی در تحقیقات روان‌شناسی این بود که در این تحقیقات گرایشهای مادی، که همه پدیده‌های روانی را ناشی از فعالیتهای تک‌کرد شناختی می‌داند، حاکم گردید؛ گرایشهایی که از تفاوت اساسی میان ذات و حقیقت انسان (بُعد معنوی او) و حیوان، غافل ماند و این مسئله مهم را در تحقیقات خود به دست فراموشی سپرد و به همین روی، از بررسی بسیاری از پدیده‌های روانی مهم انسان، که شامل جنبه‌های دینی و معنوی و ارزشهای والای انسانی او می‌شود، غفلت ورزید و به «نیازهای اصیل و والای انسانی» توجهی نکرد و از تحقیق درباره مسئله حب و بغض در برترین شکل انسانی‌اش - به دور از جنبه‌های جنسی، که تحقیقات برخی از روان‌شناسان نیز همین جنبه محبت را در بر می‌گیرد - بازماند و نتوانست تأثیر شگرف آن را بر رفتار انسان بررسی و نشان بدهد.

خوشبختانه در سالهای اخیر، گروهی از روان‌شناسان به اهمیت و ارسای جنبه‌های روحی و معنوی انسان توجه کرده و تلاشهایی را آغاز نموده‌اند،<sup>۹</sup> اما این کوشش همچنان در آغاز راه است و هنوز به نتایج دقیقی که بتوان آن را با اطمینان به مجموعه اطلاعات دقیق بشر درباره انسان افزود، نرسیده است.<sup>۱۰</sup>

در مقابل روی آورد روان‌شناسی، در متون و نصوص دینی اعم از آیات و احادیث معصومین (ع) موضوع حبّ و بغض بصورت برجسته مطرح شده است. علاوه بر قرآن کریم که خطوط کلی این موضوع در آیات متعدد مطرح شده است، در برخی کتب روایی از جمله کتاب شریف بحار الانوار و اصول کافی، دسته‌ای از روایات تحت همین عنوان بیان شده است، همچنین در برخی از کتب اخلاقی نظیر جامع السعادات و معراج السعاده نیز پاره‌ای از روایات در این باره مطرح و پیرامون آنها توضیحاتی بیان شده است. گرچه حبّ و بغض دارای جنبه‌های متکثری است و به طور کلی از دو روی آورد درون دینی و برون دینی امکان و ارسای جنبه‌های دارد؛ لیکن این نوشتار، عمدتاً با استفاده از برداشتهایی از آیات و احادیث مربوطه همراه با دید روان‌شناختی به این موضوع نگرسته است و البته در این میان از سخنان برخی بزرگان در این زمینه و نیز منابع مرتبط با بحث استفاده قابل توجهی شده است.

## حُبّ بغض در پیوستار ارزشها

در حدیث آمده است که خداوند به موسی وحی فرستاد آیا هرگز عملی برای من انجام داده‌ای؟ عرض کرد: آری برای تو نماز خوانده‌ام، روزه گرفته‌ام، انفاق کرده‌ام، و به یاد تو بوده‌ام. از جانب حق ندا آمد: اما نماز برای تو نشانه حق است، و روزه سپر آتش، و انفاق سایه‌ای در محشر، و ذکر نور است، کدام عمل را برای من به جا آورده‌ای؟ موسی عرض کرد: خداوند! خودت مرا راهنمایی فرما. فرمود: هل والیت لی ولیاً؟ و هل غادیت لی عدواً قط؟ فَعَلِمَ موسی أَنَّ اَفْضَلَ اَلْاَعْمَالِ اَلْحُبُّ فِی اللّهِ وَ اَلْبَغْضُ فِی اللّهِ! آیا هرگز به خاطر من کسی را دوست داشته‌ای و به خاطر من کسی را دشمن داشته‌ای؟ این جا بود که موسی دانست برترین اعمال حُبّ فی الله و بغض فی الله است.

### دوستی برای خدا (دشمنی برای خدا) ۱۱

احادیث در این باره، هم در جانب مثبت (دوستی دوستان خدا) و هم در طرف منفی (دشمنی دشمنان خدا) بسیار است که ذکر همه آنها ممکن نیست به عنوان مثال، حدیث پر معنای دیگری از امام باقر علیه السلام وجود دارد که فرمود:

اذا أردت أن تعلم ان فیک خیرا، فانظر الی قلبک فان کان یحب اهل طاعة الله عزوجل و یبغض اهل معصیته فیک خیر، و الله یحبک، و اذا کان یبغض اهل طاعة الله، و یحب اهل معصیته، لیس فیک خیر، و الله یبغضک، و المرء مع من أحب.

اگر بخواهی بدانی آدم خوبی هستی نگاه به قلبت کن. اگر اهل طاعت خدا را دوست داری و اهل معصیتش را دشمن، بدان که آدم خوبی هستی، و خدا تو را دوست دارد، و اگر اهل طاعتش را دشمن داری و اهل معصیتش را دوست داری، خیری در تو نیست، و خدا تو را دشمن می‌دارد و انسان همیشه قرین کسی است که او را دوست دارد. ۱۲

این سخن امام باقر (ع) بیانگر جایگاه تأثیرگذار حُب و بغض در نظام ارزشی اسلام است، و اینکه اساساً شخصیت سالم، سودمند و اثربخش در چارچوب هنجارهای دینی فردی است که جهت‌گیری حُبّ و بغض او سمت و سوی الهی و توحیدی یافته است، و به دیگر سخن از جمله ملاکهای شخصیت سالم، و خودشکوفای عبارت است از جهت‌گیری بهنجار و مثبت در هیجانات و عواطف.

### جایگاه حُب و بغض در نظام اعتقادی

فضیل بن سیمار می‌گوید: از امام صادق پرسیدم که آیا دوستی و دشمنی از ایمان است؟ حضرت فرمود: «هل الايمان إلاّ الحبّ و البغض؛ ۱۳ آیا ایمان چیزی جز دوستی و دشمنی است؟»

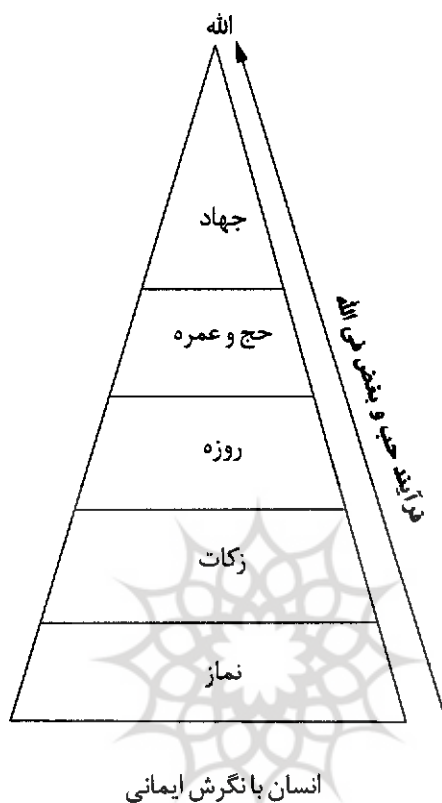
نیز آن امام همام فرموده است: «هر کس بر اساس، دین، دوستی نکند و بر اساس دین، دشمنی نکند، دین ندارد.»<sup>۱۴</sup> همچنین می‌فرماید. روزی رسول خدا(ص) از اصحاب خود پرسید: «استوارترین دستاویز ایمان کدام است؟» اصحاب گفتند: «خدا و پیامبرش دانانترند.» برخی از آنان گفتند: «نماز است» گروهی دیگر گفتند: «زکات است.» عده‌ای گفتند: «روزه است.» گروهی گفتند: «حج و عمره است.» برخی نیز گفتند: «جهاد است» رسول خدا فرمود: «هر آنچه گفتید، فضیلتی دارد، اما آن نیست. لیکن استوارترین دستاویز ایمان، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا [حب و بغض فی الله] و دوستی کردن با دوستان خدا و بیزاری جستن از دشمنان خداست.»<sup>۱۵</sup>

اگر قلب، جایگاه محبت خدا و رسول، و دشمنی نسبت به دشمنان شد، به این آسانی در موج حوادث از خدا و اولیایش جدا نمی‌شود، همه ناگواریها را به پای محبت می‌ریزد و نه تنها از خدا جدا نمی‌گردد، بلکه به محبت او افزوده می‌شود. از این روست که رسول خدا(ص) با ارزش‌ترین اعمال راه، دوستی و دشمنی در راه خدا می‌داند، چنان که می‌فرماید «افضل الاعمال الحب فی الله و البغض فی الله.»<sup>۱۶</sup>

اساساً مطلبی را که در باب محبت و دوستی و عداوت و دشمنی می‌توان گفت، این است که، دوستی و دشمنی در کنار اعمال دیگر مطرح نمی‌شود، بلکه این دو اصل مهم به اعمال دیگر روح می‌بخشد، یعنی محبت و دشمنی همانند بند تسبیحی است که در تمام دانه‌ها جریان دارد و اگر نباشد همه آنها از حیث ارتفاع خارج می‌شوند. دین، نمازی را که با محبت خدا و بیزاری از دشمنان خدا قرین نباشد نمی‌خواهد و چنین است روزه و سایر اعمال.

پیامبر اکرم اسلام(ص) بعد از آوردن دین اسلام و آن همه زحمت و تلاش، چیزی را به عنوان پاداش مطرح می‌سازد که اگر حفظ شود، تمام دین و حقیقت آن حفظ شده است و اگر از آن محافظت نشود، دین بی‌خاصیت می‌شود، و آن محبت و مودت و دوستی به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است یعنی همان اصل حب و بغض؛ خداوند حکیم به پیامبرش در این باره می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ.»<sup>۱۷</sup>

نمودار ۱: جایگاه حب و بغض در پیوستار ارزشها و اعتقادات اسلام



### ملاک حب و بغض

مُحَمَّدٌ رُسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَرُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ<sup>۱۸۰</sup> محمد فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران، بسیار سختگیرند [غضب] و با یکدیگر بسیار دوست و مهربانند [حب].

نباید با مؤمن دشمن بود، حتی اگر گناهکار باشد؛ بلکه بایستی عمل ناشایست او را دشمن داشت. در روایتی آمده است که وقتی خداکسی را دوست بدارد، هرگز با او دشمنی نمی‌کند و اگر کار ناشایستی از او سرزند، تنها آن کار او را دشمن می‌دارد. در مقابل، خداوند با کافر دشمن است و حتی اگر هزاران کار نیک نیز انجام دهد، با خودش دشمن است، ولی کارش را نیک می‌شمرد. پس از دیدگاه اسلام قوام شخصیت انسان، به ایمان و کفر است، آن ایمان و کفری که در

دل انسان ریشه دارد. بنابراین، اگر گاهی، در عمل، از مؤمن انحرافی سر می‌زند و یا از کافر کار نیکی سر می‌زند، موجب تغییر هویت و شخصیت آن دو نمی‌گردد.<sup>۱۹</sup> از این رو، ملاک حب و بغض، اسلام و کفر است.

### کنش وری خدا محور

در دیدگاه قرآنی در یک دل دو محبت متضاد نمی‌گنجد. آنها که دم از هر دو می‌زنند، یا ضعیف الایمان‌اند و یا منافق، و هر کدام که باشد نوعی ناهنجاری شخصیتی محسوب می‌شود. انسان هنگامی واجد شخصیت بهنجار قرآنی خواهد بود که نیرومندترین علاقه‌ها را نظیر «حب و بغض» را تحت الشعاع عشق به خدا و اولیای گرامی او قرار دهد.<sup>۲۰</sup> دلیل محبت، انتخاب محبوب است بر ماسوا و مقدم داشتن او بر همه او را طلبیدن و هر چیز دیگری را برای او و به خاطر او خواستن است و الا اگر کسی بگوید خدا محبوب من است ولی غیر خدا را بر او مقدم بدارد فاسق و دارای اختلال شخصیت خواهد بود. قرآن کریم در سوره توبه آیه ۲۴ به این حقیقت اشاره دارد:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ أُقْرَبْتُمْوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ.

بگو: اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود و اموالی که جمع کرده‌اید و مال تجارهای که از کساد آن بیمناکید و منازلی که به آن دل خوش نموده‌اید بیش از خدا و رسول خدا و جهاد در راه او دوست دارید، پس منتظر باشید تا قضای حتمی خدا جاری گردد و خدا بدکاران را هدایت نخواهد کرد.

وقتی دل جای محبت است و محبت هم سازنده و تحول بخش، چه بهتر که این محبت و عشق در میسر سالم و به اشخاص و موضوعات ارزشمند باشد تا محبت را در مسیر کمال قرار دهد. محبت به کسی، در واقع پیوند زدن دل و زندگی و سرنوشت با اوست، پس پیوند بایستی با افراد شایسته صورت بگیرد تا سرنوشت نیکو و مطلوبی برای انسان رقم بزند.

مبنای دین اسلام بر حب و بغض است؛ دوستی با خدا و رسول و ائمه هدی علیهم السلام و محبت به مؤمنان، یا کان و بغض و کینه به مشرکان و کافران و ظالمان و مستکبران و دشمنان انسانیت. طبق آموزه‌های توحیدی حب و بغض و رزی باید برای خاطر خدا و دارای صبغه الهی باشد، و جمیع عواطف فرعی بر حول محور محبت خدا قرار بگیرد. این فرایند باعث همگرایی،



انسجام و توحید یافتگی در قوای درونی و کنش‌وری بیرونی می‌گردد که منجر به انسجام هویتی و یکپارچگی در شخصیت می‌شود.

بی‌تردید اگر حب و بغضها رنگ‌خدايي بگیرد، بی‌وسستها و گسستها نیز الهی می‌شود و در آن صورت جمیع ارتباطات انسان در چارچوب عبادت قرار می‌گیرد و زمینه ایجاد جلب رضایت خدا نموده باعث خودشکوفایی و تعالی می‌گردد؛ فرآیندی که سلامت و بهداشت روانی را در سطح فردی و اجتماعی ارتقا می‌بخشد.

### روان‌شناسی حب و بغض در انسان

انسان در ساحت عاطفی وجود با تأثیرات، انفعالات و احساسات خود سر و کار دارد. آنچه در ساحت عاطفی وجود محور است خوش آمدن و خوش نیامدن انسان نسبت به چیزهاست؛ مطلوبیت یا نامطلوبیتی است که امور برای وی دارند؛ لذت یا آلمی است که در ارتباط با آنها برایش حاصل می‌شود. این احساسات یا عواطف و تأثیرات نفس از سوی تئنتنر<sup>۲۱</sup> برای نخستین بار، به عنوان یکی از عوامل بنیادین روان، در میان ساحت عقیدتی و ارادی قرار گرفتند. به عقیده وی وجود عواطف «برای انتقال بالقوه‌گی شناختی به فعلیت حرکتی» ضروری‌اند؛<sup>۲۲</sup> یعنی انسان پیش از آن که دست به کار فعلی ارادی شود، دستخوش تأثیر یا انفعالی می‌گردد. این انفعال نه از سنخ حالت نفسانی باور یا معرفت است و نه از قبیل خواست و اراده؛ بلکه همان بُعد تأثیری روان است و متمایز از آن دو.<sup>۲۳</sup>

### نقش عواطف در زندگی

عواطف برای روان انسان به سان دست و پا برای بدن نیست؛ بلکه مانند موتور و قلب تپنده‌ای است که منشأ حرکت خون به کل اعضا و تولید انرژی حیاتی است. در سلسله مراتب نیازهای انسان، عواطف از نیازهای اساسی و دست اول به شمار می‌رود، عواطف برای تأمین راحت و آسایش انسان، عاملی برای تغذیه روانی و وسیله‌ای برای ایجاد تعادل در زندگی است. اختلال در ساحت عاطفی وجود اگر به مرگ منجر نشود، سبب بروز اختلالاتی فوق‌العاده در نظامندی وجود است، به نحوی که باعث به خطر افتادن سلامت و آرامش تن و روان می‌شود.

همه پدیده‌های وجودی انسان - همچون کل آنچه در مجموعه نظام آفرینش از جمله انسان - چه روانی و چه فیزیکی و یا فیزیولوژیکی دارای آثار مطلوب و مثبتی است. آنچه مورد بحث است جهت‌گیری و چگونگی بکارگیری صحیح آنهاست. عواطف نیز اگر به جا و درست مورد استفاده قرار گیرند، آثار مثبت و سعادت آفرین به دنبال خواهند داشت؛ چه اینکه فهم ناکافی از

این نیروی حیاتی آسیبهای جبران ناپذیری بر پیکره تعلیم و تربیت دینی و سلامت فردی و اجتماعی وارد می‌سازد. عواطف، زندگی انسان را لذتبخش می‌کنند و می‌توانند انسان را برای فعالیت و دستیابی به اهداف شایسته آماده سازند.

### منشأ حب و بغض

در اینکه منشأ محبت، گرایش، یا نفرت و بغض چیست، برخی اساس و منشأ را سنخیت و مشابهت و یا ضدیت و منافرت می‌دانند و در این باره به قاعده فلسفی «السنخیه علّه الانضمام» اشاره می‌کنند. شهید مطهری (ره) در باره این موضوع می‌فرماید: «در حقیقت علت اساسی جذب و دفع را باید در سنخیت و تضاد جستجو کرد.»<sup>۲۴</sup> در ادامه، استاد شهید اشاره به نظریه دیگری در این زمینه می‌فرماید: «به عقیده بعضی، ریشه اصلی این جذب و دفعها نیاز و رفع نیاز است.»<sup>۲۵</sup> علامه طباطبایی (ره) نیز محبت را یک تعلق وجودی و انجذاب و کنش خاص بین علت مکمل و شبیه آن و معلول که طالب کمال است می‌داند.<sup>۲۶</sup>

در واقع، گویا طبق این فرمایش علامه (ره) نیاز به کمال، منشأ محبت است. در جمع‌بندی مطلب شاید بتوان گفت که نظر علامه (ره) به نحوی جامع دو نظر قبلی است به این بیان که: احساس نیاز محبت به کمال مفقودی که در محبوب آن را می‌یابد، او را به سوی محبوب می‌کشاند ولی البته بین محبت و کمال محبوب باید ملایمت و سنخیت و آشنایی باشد تا کمال محبوب بتواند رفع نیاز محبت را کرده و برای او هم کمال محسوب شود.

### ساحت عاطفی وجود

روان آدمی بس پیچیده است و در سایه آن، دانش روان‌شناسی پای گرفت. روان از ابعاد بینشی و گرایشی (شناختی و عاطفی) برخوردار است و کنشهای انسان خاستگاههای آشکار و نهان در لایه‌های بینشی و گرایشی وی دارد. نگاه ماشینی به انسان و غفلت از زوایای روانی او در واریتهای علمی آسیبی است که کمترین زیان آن شکست کامل در وصول به مقصد است. همچنان که فرو کاستن از جایگاه بینش آفت راه است، ساده نگری نسبت به ساحت عاطفی نیز مانع کامیابی است. شناخت صائب در این عرصه به منزله توجه به واقعیات روان آدمی و انسان‌شناسی جامع است.

عواطف،<sup>۲۷</sup> خاصه عشق، محبت و نفرت، قدرت شگفت‌آوری در جهت‌دهی فعالیت آدمی دارند. ابزار کنترل و هدایت احساسات می‌تواند اقیانوس وجود آدمی را متلاطم و موج‌سازد و قایق سواران آن را در جهت امواج خویش به حرکت درآورد و نفوذی نافذ در روان افراد داشته

باشد. شوق و میل اگر قوت یابد دل را به خود مشغول می‌کند و حضور ذهنی و قلبی محبوب را در او پررنگ می‌سازد و به سادگی تداعی می‌شود. آن که میل شدید به ثروت دارد به ادنی مناسبتی پول در فکر او حاضر می‌شود. مادری که علاقه شدید به فرزند خود دارد به آسانی یاد دلبندهش می‌افتد. کسی هم که به خدا عشق شدید دارد فراوان از او یاد می‌کند. عواطف از چنان توانی برخوردار است که حتی اندیشه‌ورزی نیز ممکن است خود آگاه یا ناخود آگاه از آنها تبعیت کند.

### نسبت ساحت عاطفی وجود با دیگر ابعاد

غزالی در احیاء علوم الدین می‌نویسد:

محبت متصور نمی‌شود مگر بعد از شناخت و معرفت، زیرا انسان چیزی را دوست نمی‌دارد مگر این که آن را بشناسد،<sup>۲۸</sup> از این رو هر قدر معرفت و درک یک کمال بیشتر، محبت بدان شدیدتر و افزون‌تر.<sup>۲۹</sup> معرفت از آن جهت که حجاب از چهره حقیقت برمی‌افکند، و حقیقت، ذاتاً زیبا و مطلوب انسان است، میل درونی انسان نسبت به حقیقت برانگیخته می‌گردد و این حالت باعث ایجاد گرایش درونی انسان نسبت به حقیقت و کمال می‌شود، تعلق و گرایش عاطفی زمینه ساز تعهد و التزام به حقیقت را فراهم می‌نماید.<sup>۳۰</sup>

نصوص دینی شرط وصول به کمال ایمان را جهت‌گیری صحیح حب و بغض درونی می‌داند. شرط رسیدن به کمال ایمان این است که انسان، خدا را از هر چیز، حتی از خود بیشتر دوست داشته باشد.<sup>۳۱</sup>

قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»<sup>۳۲</sup> کسانی که ایمان آورده‌اند شدیدترین محبت را به خداوند روا می‌دارند، «[شدیدترین محبت را به خداوند دارند] و امام صادق فرمود: مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَ ابْتَغَضَ لِلَّهِ وَ أَعْطَى لِلَّهِ فَهُوَ مِنْ كَمَلِ إِيْمَانِهِ»<sup>۳۳</sup> هر کس دوست بدارد برای خدا، و دشمن بدارد برای خدا، و عطا کند برای خدا از کسانی است که ایمانش کامل شده است.

بدیهی است محبتی که شیدای محبوب به سر دارد مواظبت وی در اطاعت و تبعیت از محبوب خویش فزون‌تر است؛ بلکه مراقب است می‌باید خطایی که کوچک‌ترین خدشه به عوالم محبت آنها وارد می‌کند از او سر بزند.

آنچه حضرت امام حسین علیه السلام را واداشت تا روز عاشورا از همه چیز خود بگذرد و هر مصیبت و اندوهی را تحمل نماید، فقط عشق به خدای متعال بود. محبت هر چه شدیدتر فداکاری و ایثار در راه محبوب بیشتر و لذا حضرت امام حسین علیه السلام هنگام حرکت به

طرف کربلا جانهای شریف را برای نثار و ایثار جمع کرد و در عرصه عشق بازی به معشوق حقیقی هر چه داشت، خالصانه فدای رضای محبوب کرد و در پایان کار سرخویش را سخاوتمندانه در طبق اخلاص نهاد و تقدیم معشوق نمود. این همه ایثار، فداکاری و پاکبازی و جان بازی فقط هنر عشق است، عشق به معشوق.

### نقش حب و بغض در رفتار اختیاری

محور تمام کارهایی که انسان با اختیار انجام می‌دهد، دوست داشتن و یا نفرت و کراهت است. آیت الله جوادی آملی در این باره می‌گوید:

انسان بدون محبت نمی‌تواند زندگی کند، قرآن او را فاعل مختار و فاعل به اراده می‌داند، اختیار و اراده فرع به علاقه است. انسان چیزی را اراده می‌کند که محبوب او باشد، از نفع آن گاه باشد، به سود آن وابسته باشد تا اراده کند.<sup>۳۴</sup>

و آیت الله مصباح یزدی در این باره می‌گوید:

هیچ کار ارادی و اختیاری نیست که فاعل آن هیچ‌گونه محبت و رضایت و میل و کششی نسبت به آن نداشته باشد و با کمال بی‌علاقگی و نفرت و اشمئزاز آن را انجام دهد، حتی کسی که داروی بد مزه‌ای می‌خورد یا خود را در اختیار جراح قرار می‌دهد تا عضو فاسدی را از بدنش قطع کند، چون علاقه به سلامتی خودش دارد... بنابراین می‌توان گفت که قوام فعل اختیاری به این است که فاعل فعل را ملایم با ذات خویش بداند و از این جهت آنرا بخواهد و دوست بدارد.<sup>۳۵</sup>

تأثیرات شگرفی که نیروی عظیم حب و بغض در رفتار آدمی دارد چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. انرژی عجیب به عزم و اراده می‌بخشد و آن‌گاه که اراده و عزم قوی شد قوای جسمانی و بدنی را هم به دنبال خویش می‌کشاند. در واقع، محبت سلسله جنبانی است که می‌تواند هرگونه تغییری را در رفتار و حالات محب بیافریند و این امر نمونه‌ها و شواهد بسیاری در طول تاریخ بشر داشته و دارد که کم و بیش شنیده و خوانده و دیده‌ایم. آنچه دربارهٔ محبت گفته شد، دربارهٔ نفرت و بغض نیز صادق است که منشأ بسیاری از رفتارهای اختیاری که گاه به صورت دافعه و بیزارگی جستن و دوری‌گزیدن، یا خشم و غضب نمودار می‌شوند. علت همه، همین کراهت درونی و بغض باطن می‌باشد.

### حب و بغض و شکل‌گیری شخصیت

انسان همواره در پی الگوی کمال است تا حس کمال جوی خویش را پاسخ گوید و در

فرآیندسازی با الگوی محبوب به آرزوی سعادت خوشبختی نایل آید. حب و بغض فرایند الگوپردازی و الگوگیری را آسان می‌کند. محبت و عشق ماهیتاً عطف توجه پایدار به موضوع خود را در پی دارد. در الگوی محبت، عاشق شخصیت خود را با موضوع عشق هماهنگ و همانند می‌نماید. پیدایش محبت در دل، باعث تحول فکری و دگرگونی فرهنگی می‌شود، آدمی همواره به سوی الگوی محبوب گرایش دارد. محبت مؤثرترین عنصر پرورش انسانهای شایسته و کارآمدترین مکانیزم پیشبرد اهداف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی - سیاسی در جامعه انسانی است. استاد شهید مطهری می‌گوید:

عشق و محبت، سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ می‌کند و حتی از کودن، تیزهوش می‌سازد.

عشق است که از بخیل، بخشنده و از ناشکیبا و بی‌طاقت متحمل و شکیبا می‌سازد. ۳۶

از آنجا که وجود الگو در زندگی انسان همواره یکی از مؤثرترین عوامل تربیت شناخته می‌شود، خداوند حکیم از رهگذر شکل دهی حب و بغض و ابراز تولی و تبری، و ساز و کار اثربخش دلبستگیها و دلسپردگیها سمت و سوی حرکت رو به رشد و تعالی بخش را فرا راه آدمیان قرار داده است، قرآن کریم با تبیین رابطه مستقیم بین محبت به پیامبر اسلام و تبعیت از او، آمرزش و بخشایش خداوندی را پاداش این عمل وعده می‌دهد. ۳۷

### جامعه‌شناسی حب و بغض

محبت بیشترین نقش را در سازماندهی جامعه آرمانی انسانی دارد. ملاحظه نصوص اسلامی به روشنی اثبات می‌کند که جامعه مطلوب انسانی در اسلام، جامعه‌ای است که بر اساس محبت مردم به یکدیگر شکل می‌گیرد. اسلام طراح جامعه‌ای است که همه مردم در آن خود را برادر یکدیگر می‌دانند و همچون اعضای یک خانواده به همدیگر محبت می‌ورزند. اسلام دین محبت است و جامعه مطلوب در اسلام، جامعه‌ای مبتنی بر محبت است چه اینکه محبت خدا اصلی‌ترین محور کنش و ربهای انسان مسلمان است.

اگر دشمنیها و فسادها و جنگها را در سطح جهان به دقت علت‌شناسی کنیم، به این می‌رسیم که اساس همه فتنه‌ها، خودخواهی و نفس‌مداری است ناشی از حب و بغضهای فسادانگیز و غیرالهی است. تا شاهد شیرین محبت خدایی بر جان آدمیان ننشیند، جامعه بشری روی آرامش و آسایش را بر خود نخواهد دید. تا انسانها از انسان محوری و خودخواهی فاصله نگیرند، و به دامن خدا خواهی و بندگی محبت‌آمیز الهی پناه نیاورند. اتحاد و همبستگی و صفا و آرامش حقیقی پدید نمی‌آید.

خدایی که اسلام و قرآن را به مردم معرفی می‌کند، خدایی است مهربان و عاشق مردم.<sup>۳۸</sup> آیین اسلام را که، دین همه انبیای الهی است، بر پایه محبت خود، استوار کرده<sup>۳۹</sup> و همگان را بدان فراخوانده است.

بدین سان، راز تأکید اسلام بر دوستی برای خدا آشکار می‌شود که تنها کسانی واقعاً انسانها را دوست می‌دارند و خاطر خواه واقعی مردم‌اند که جهت‌گیری حب و بغض آنها توحیدی باشد. محبتی که بر پایه منافع «خود»، است در واقع محبت به دیگری نیست، بلکه نوعی خودخواهی در چهره دیگر خواهی است. که وجود و تداوم آن، دایر مدار منافع شخصی است. هر وقت محب احساس کند محبوب نمی‌تواند خواسته او را تأمین کند، محبتش از او ذایل می‌شود و چه بسا دوستیها که تبدیل به دشمنی گردد. لذا اسلام، تأکید دارد که تنها دوستیهایی که بر پایه دین و برای خدا باشد، تداوم خواهد یافت. دوستیهایی که بر پایه خودخواهی و منافع شخصی شکل گرفته باشد، دیر یا زود، تبدیل به دشمنی می‌شود.

أَلَا خَلَاءٌ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ.<sup>۴۰</sup> دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، جز پرهیزکاران. بنابراین، فلسفه سفارش به دوستی برای خدا این است که ساماندهی جامعه مطلوب انسانی راهی جز این ندارد.

### حب آری ولی بغض چرا؟

پرسش مهمی که اینجا ممکن است به ذهن آید، این است که اگر اسلام طرفدار جامعه مبتنی بر محبت است، چرا پیروان خود را به دشمنی و بغض ورزیدن ترغیب و تشویق می‌کند و دشمنی ورزیدن در راه خدا و برای خدا را مانند دوستی برای او واجب می‌داند و آن را «محکم‌ترین ریسمان ایمان و برترین عمل» می‌خواند؟ علاوه بر این، چه ضرورتی دارد که انسان، به جای دوستی با دیگران با آنان دشمنی کند و اساساً، دشمنی کردن با دیگران، چه دردی از دردهای اجتماعی را درمان می‌کند و کدام مشکل را حل می‌نماید؟ و در یک جمله فلسفه دشمنی برای خدا چیست؟

نکته اساسی آن است که بینش توحیدی در چارچوب آموزه‌های اسلامی دارای موضعی فعال و جهت‌دار است؛ بدین معنا که یک مسلمان در برابر آموزه‌های آسمانی موضع حمایت‌گرانه و در برابر ایده‌های انحرافی و الحادی موضع انتقادی اصلاح‌گرانه و روشنگرانه برمی‌گزیند. بنابراین، صیانت فرهنگ اسلامی از تحریفات، خرافه زدایی از دامان فرهنگ حیاتبخش اسلام، و مبارزه با مکتبهای التقاطی، فلسفه دشمنی ورزیدن و برائت جستن از افراد کافر، بدعتگذار و

مرتد است. برای حفظ حقوق انسانها و به انزوا کشاندن ظالمان و سالم سازی جامعه، بایستی از ظالمان برائت جست و با آنها دشمنی ورزید<sup>۴۱</sup> و سرانجام برای پیشگیری از فتنه های دشمنان اسلام و جلوگیری از اثربخشی جنگ روانی دشمنان در محیط مسلمانان هم، بایستی از منافقان و دشمنان اسلام برائت جست و دشمنی نمود. بر این اساس، مقتضای محبت به جامعه انسانی، دشمنی با چنین عناصر خطرناک و کوتاه کردن دست آنها از تجاوز به حریم انسانیت است. فلسفه دشمنی برای خدا، مبارزه با موانع شکوفایی ارزشهای انسانی و آسمانی و پاک سازی جامعه از عناصر ضد ارزشی است. اهمیت این مبارزه، نه تنها کمتر از تلاش برای ساماندهی جامعه مبتنی بر محبت نیست، بلکه این هر دو، حرکت به سوی هدفی یگانه اند. اصولاً بغض ریشه در حب دارد و محبت واقعی همیشه با مبغضت همراه است. انسان به هر چیزی علاقه پیدا کند، به طور طبیعی از ضد آن متنفر می گردد. انسان نمی تواند کسی را واقعاً دوست داشته باشد و دشمن او را دشمن ندارد. بغض دشمنان، در حقیقت یکی از روشن ترین دلایل واقعی بودن دوستی مدعیان محبت است. از این روی، در نصوص اسلامی دشمنی برای خدا در کنار دوستی برای خدا، مورد توجه، تأکید و توصیه قرار گرفته است.

### عوامل مؤثر در شکل گیری حب و بغض

تقویت معرفت الهی: کشش و تمایلی که در عالم جمادات وجود دارد - مثل آهن و آهن ربا، جاذبه زمین و... - چون ناشی از معرفت و ادراک نیست، محبت نامیده نمی شود. محبت زائیده معرفت و ناشی از ادراک است و لذا هر چه معرفت بیشتر باشد، محبت افزون تر می شود؛ چنانکه هر چه کمال و موجبات لذت در محبوب تبلور بیشتر یابد، محبت پررنگ تر می گردد. محبت به خدا شاهد شیرینی است که هر کس چشید، دل به او سپرد و از دیگران چشم پوشید: «مَنْ ذَا الَّذِي ذاق حلاوة محبتك فرام منك بدلاً؟»<sup>۴۲</sup>

عشق به خوبی و زیباییها در سرشت آدمی نهفته است و خدا جامع همه کمالات و زیباییهاست و ممکن نیست کسی حقیقتاً او را بشناسد و شیفته و عاشق او نشود و از دشمنانش، منزجر نباشد.

از این رو حضرت امام مجتبی علیه السلام می فرماید «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ»<sup>۴۳</sup> هر کس خدا را بشناسد، دوستش می دارد.»

آدمی هر قدر که بیشتر خدا را بشناسد، به زیبایی و جمال او بیشتر پی خواهد برد و در نتیجه بیشتر محب و عاشق او خواهد گشت.

چنانچه محبت و معرفت خداوندی در دلی آشیانه گزیند دیگر محبت هیچ جمال و کمالی نمی‌تواند در عرض این محبت دل آرایی کند، مگر اینکه رنگ الهی داشته باشد و محبوب خدا باشد؛ چرا که به فرموده مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام محبت الهی آتشی است که از هیچ چیز نمی‌گذرد مگر اینکه آن می‌سوزد».<sup>۴۴</sup> بنا بر این باید به دنبال راههایی بود که عامل تقویت معرفت و محبت الهی گردد؛ از قبیل توجه به الطاف و محبت‌های خدا به بنده‌هایش؛ یعنی متذکر شدن به نعمتهای بی‌کران او از اصل خلقت گرفته تا نعمت هدایت و غفران و ستاریت و... که غیر قابل شمارش هستند. این امر موجب تقویت معرفت الهی و در نتیجه جهت‌گیری صحیح حب و بغض می‌گردد.

### درک نیازهای واقعی و شناخت عامل حقیقی تأمین آنها

گفتیم که منشأ محبت احساس نیاز به کمال مقودی است که ملایم با طبع باشد. پس برای اینکه جهت صحیح در این محبت‌ها و همچنین کراهتها ایجاد شود، باید بدانیم که از کجا آمده و برای چه آمده‌ایم و به کجا می‌رویم و اهداف نهایی این حرکت چیست؟ ماهیت دنیا و زندگی در آن را بشناسیم و بدانیم چه بازگشتی در انتظار ماست. گاهی آدمی افق دیدش فراتر از مادیات و محسوسات نمی‌رود و در نتیجه تنها توجهش به زیباییها و کمالات محسوس و ظاهری موافق با طبعش می‌باشد و رفع نیازهای تعالی جویانه را هم در همین چارچوب پی جویی می‌کند در حالی که اگر نیک بنگرد و به خودیابی و خویش‌شناسی برسد و بداند نیازهای واقعی او چیست و به فقر و جودی دیگران وقوف پیدا کند و باور نماید دیگران نیز نیازمندانی هستند ضعیف و ناتوان همچون خود وی، آن‌گاه به این حقیقت خواهد رسید که تنها کسی که قادر است، تمام نیازهای حقیقی، روحی و جسمی‌اش را بر طرف سازد و به او کمال و تعالی بخشاید، خدای تعالی است و سایرین فقط وسیله‌هایی هستند که همه به اراده و قدرت الهی عمل می‌کنند و اگر کمال هم دارند از خود ندارند بلکه از جانب خداوند دریافت کرده‌اند.<sup>۴۵</sup>

بنابراین، اگر در دوستیها و دشمنیهایی که بر سر دنیا و با اهداف غیر خدایی داریم به دنبال دست یافتن به قدرت و عزت هستیم، باید بدانیم که تمام عزت فقط از آن خداست<sup>۴۶</sup> و او هر کس را که بخواهد عزیز می‌کند؛<sup>۴۷</sup> چنان که قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا.<sup>۴۸</sup> آیا کسانی که مؤمنی را وا گذاشته و با کافران دوستی می‌کنند به دنبال کسب عزت از

ایشانند؟! پس همانا تمام عزت از آن خداست.



خلاصه هر چه که بخواهیم و هر کمالی را که به دنبالش باشیم مخزن اصلی آن نزد خداست؛  
کما اینکه قرآن کریم می‌فرماید: هیچ چیز نیست مگر گنجینه‌های آن نزد ماست.<sup>۴۹</sup>  
باور به ارزشهای حقیقی

بسیاری از دوستیها و دشمنیهای که به خاطر خدا نیستند و بر سر دنیا انجام می‌گیرند، ریشه در کج فهمی و تصورات غلط افراد در باب ارزشها و ضد ارزشها و یا عدم باور ارزشهای حقیقی دارند. وقتی نظام ارزشگذاری توحیدی نباشد، دنیا را بزرگ می‌پندارد و ارزشهای مادی را ملاک حب و بغضها می‌داند. ولی در چارچوب نظام ارزشگذاری توحیدی معیار ارزشیابیها خدا محورانه است، بر این اساس تمام دنیا از لحاظ ارزشی با یک انسان با تقوا هرگز برابری نمی‌کند گرچه او در نهایت فقر باشد. در این روی آورد واقعاً باطن دنیا از استخوان خوکی در دست فردی جذامی پست‌تر است و آن‌گاه که این باور و بینش پدید آید دنیا را بازیچه‌ای بیش نمی‌بیند، دیگر کالای گرانهای دل را با هیچ چیز در این دنیا و مافیها معامله نمی‌کند و در این صورت ملاک حب و بغضها ارزشهای حقیقی می‌شود نگرش انسان تعالی می‌یابد و معیار دوستیها و دشمنیهایش در چارچوب هنجارمندیهای دینی و حقیقی شکل می‌گیرد.

### انجام واجبات و ترک محرمات

در فرآیند حب و بغض فی الله، قلب فقط جایگاه محبت الهی است، و اغیار در آن جایی ندارند.<sup>۵۰</sup> برای تحقق این امر، بایستی قلب شایستگی و قابلیت لازم را به دست آورد تا بتواند محل استقرار محبت الهی بشود که این ظرفیت و قابلیت با تربیت روح به دست می‌آید و تربیت روح هم جز در سایه عمل به نسخه‌های بدون مشابهی که خداوند در چارچوب شریعت آسمانی برای بندگانش ابلاغ فرموده میسور نیست، یعنی التزام به دستورالعملهای دینی و تقیّد به فرائض الهی - واجبات و محرمات - در بخشی از حدیث قدسی معراج آمده است که: «هر کس خواسته من را به خواسته خویش ترجیح دهد و دنبال جلب رضای من باشد... به هنگام هر معصیت، مراقبت امر مرا بنماید و قلبش را از هر چه من نمی‌پسندم پاک گرداند... آنگاه من چنان محبتی را در قلبش ساکن می‌کنم که قلبش را برای خود قرار می‌دهم...»<sup>۵۱</sup> از این حدیث شریف بر می‌آید که این خود خداوند است که باید چنین محبتی از خودش را بر دل بنده‌اش پرتو افکند که تمام محبتهای دیگر را تحت الشعاع قرار دهد و نظام عواطف او سمت و سوی توحیدی بگیرد، البته زمینه تحقق این مهم، به دست آدمی است که راه آن التزام بر انجام واجبات و ترک محرمات و پایبندی به تقیّدات دینی است.

## آثار و پیامدها

واینک در خاتمه برخی از آثار و پیامدهای حب و بغض در قلمرو نگرش توحیدی بیان می‌گردد:  
**خدا نخستین انتخاب**

استاد شهید مطهری (ره) با اشاره به آیه ۲۴ سوره توبه که پیش از این بیان کردیم می‌فرماید:  
ایمان آن وقت ایمان است که هر جا سر دو راهی قرار گرفتید که مثلاً خود یا پدر یا مادر یا چیزی دیگر را انتخاب کنید، همه جا بگوئید: خدا، در هر شرایطی اولین انتخاب خدا باشد، یعنی خدا محبوب و مطلوب انسان قرار گیرد و هر چه غیر خداست، تابع این محبوب و در پرتو این محبوب، دوست داشتنی باشد. ۵۲

### محبت خدا

در حدیث معراج آمده است:

يَا مُحَمَّدُ وَجِبْتَ مَحَبَّتِي لِلْمُتَخَاتِبِينَ فِيَّ وَوَجِبْتَ مَحَبَّتِي لِلْمُتَعَاظِفِينَ فِيَّ وَوَجِبْتَ مَحَبَّتِي لِلْمُتَوَاصِلِينَ فِيَّ  
وَوَجِبْتَ مَحَبَّتِي لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيَّ. ۵۳

بنابر این روایت خدای متعال به پیامبرش خطاب می‌کند و می‌فرماید: محبت من بر چهار گروه از مردم واجب است: دسته اول، کسانی که یکدیگر را برای من دوست داشته باشد (حبّ فی الله)؛

دسته دوم، کسانی که برای من از دوستی با کسانی که نمی‌پسندم، دست بردارند و رابطه خود را با دشمنان من قطع کنند (بغض فی الله)؛  
دسته سوم، کسانی که برای من با یکدیگر رابطه برقرار کنند و اگر کدورت و تیرگی بینشان وجود دارد، آن را به خاطر من کنار بگذارند و میان خود ارتباط و پیوند اخوت برقرار نمایند (خدا محوری در افعال)؛

دسته چهارم، کسانی که اهل اتکال و توکل بر من اند (متوکلین به خدا).

### رضای الهی

بزرگترین لذت محبت در این است که احساس کند محبوبش از او راضی است. محبت‌های عادی بشر نیز چنین است. انسان وقتی به کسی محبت می‌ورزد و به او دل بسته می‌شود به این دلخوش است که رضایت محبوب را فراهم آورد.

از ویژگیهای بارز بندگان خالص و محبوب خدا این است که پیوسته در جست و جوی رضای الهی اند و هرگاه احساس کنند از رضا و محبت خدا به آنها کاسته شده، به شدت دلتنگ و

افسرده می‌گردند چه اینکه بهترین آرامش و آسایش بر ایشان کسب رضای اوست که فرمود: «یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیة مرضیة».

### تولی و تبری

نگاه یکسان به دوست و دشمن و تمایز قائل نشدن میان آنها با مسلمانی سازگار نیست. نمی‌توان از یک سو به خدا و پیامبر و خاندانش عشق ورزید و از سوی دیگر با اهل باطل و حق‌ستیزان و مخالفان، دوستانه زیست و هم به حضرت علی(ع) اقتدا کرد و هم از سفرهٔ رنگین معاویه لقمه بر دهان نهاد. از آثار و پیامدهای حب و بغض جهت‌دار و فعال، شکل دهی نظام تولی و تبری است. تولی و تبری باعث انسجام و قدرت در جبهه خودی و نیز مانع نفوذ و سلطهٔ بیگانه می‌گردد. حضرت امام باقر(ع) می‌فرماید:

بُنی الاسلامُ علیٰ خمسةَ الشیاءِ علی الصلوةِ و الزکوٰةِ و الحجِّ و الصومِ و الولاية. ۵۴

اسلام بر پنج رکن بنا گردیده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

زراره که از شاگردان برجسته امام(ع) است می‌پرسد، کدام برتر است؟ امام می‌فرماید:

ولایت [تولی و تبری]؛ چون کلید همهٔ آنها ولایت است. «توضیح موضوع تولی و تبری مجالی فراخ می‌طلبید که در این مقاله ما از آن بی‌نصیبیم.

### روابط صمیمی و سازنده

از محکم‌ترین پیوندها پیوندی است که بر اساس محبت شکل می‌گیرد. عشق و محبت چنان قدرتی دارد که هوش از سر پروانه می‌بزد و او را به طرف شمع می‌کشاند و تا مرز قربانی شدن به پیش می‌راند. حب و بغض عامل اتحاد و ایجاد پیوند و همبستگی بین افراد هم‌کیش می‌گردد و باعث رواج انس و الفت در میان ایشان می‌شود و روابط صمیمانه و الفت بین اشخاص موجب تأثیرات مثبت روحی و روانی در روحيات و خلیقات و رشد شخصیت افراد می‌گردد.

روابط انسانی بدون محبت الهی، از هم گسسته می‌شود و درون آدمی تیره می‌گردد، دلها دچار افسردگی و تنهایی می‌شوند، در نتیجه هیچ خلق و خوبی تعالی نمی‌یابد و عمل صالح بارور نمی‌شود و میان مردم، مودت و رحمت به ثمر نمی‌نشیند. اسلام با رنگ عبادی زدن به ارتباطات میان فردی در جامعه اسلامی، سعی در ایجاد و استقرار روابط صمیمانه بین افراد و گروهها در اجتماع دارد تا در پرتو ارتباطات عاطفی گرم، نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن تأمین شده، رفتارهای حمایت‌گرانه فعال و پیوند جویی میان افراد بیشتر گردد. و زمینهٔ رشد و تعالی فرد و اجتماع فراهم آید. ۵۵

## مدیریت عواطف (هیجان‌ات)

آن کس که محبّ و مبغض فی الله است، چون حبّ و بغضها و نظام عاطفه ورزی وی توحید یافته و در یک محور با جهت‌گیری الهی هماهنگ شده است، جمیع احساسات و عواطف‌اش در چارچوب همین محور توحیدی فعال می‌گردد و بدین‌سان الگوی رفتاری او دور از تمایلات نفسانی شکل می‌گیرد.

### اخلاص در عمل

یکی دیگر از پیامدهای نظام حب و بغض دینی اخلاص در عملکرد است. وقتی حب و بغض انسان جهت الهی پیدا کند، تمام اعمال و رفتار اختیاری او، که از این حب و بغض سرچشمه می‌گیرد، برای خدا می‌شود و در نتیجه انسان به اخلاص در عمل می‌رسد. در روایتی امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

ایمان هیچ کس خالص نگردد مگر خدا در نظر او دوست داشتنی‌تر از خود او و پدر و مادر و فرزند و خانواده و مالش و همهٔ مردم شود.<sup>۵۶</sup>

## تصمیم‌گیری آسان‌تر و تحبیر کمتر

گاه بر سر دو راهی‌هایی که در زندگی انسان پیش می‌آید، تشخیص راه درست از نادرست مشکل می‌شود؛ چرا که یک طرف قضیه مدح و ثنای مردم است و طرف دیگر خشم و غضب الهی و بالعکس و باقی ماندن در این حالت گاه باعث تعارض درونی و روانی می‌شود که نوعی اختلال به شمار می‌رود.

بحث فی الله در این بزنگاه‌ها، در تصمیم‌گیری دچار تحبیر نمی‌شود، بی‌درنگ راهی که خدا می‌پسندد انتخاب می‌کند و از ملامت مردمان و غضب ایشان هراسی ندارد. همچنین در دیگر انتخاب‌های زندگی اعم از انتخاب دوست، همسر، شغل و حتی الگوی پوشش و امثال آن، این شرایط مؤثر است، او به دوستی دل می‌بندد و همسری را برمی‌گزیند و شغلی را می‌پسندد که در سایه آن بتواند بیشتر به تقرب الهی نایل شود و محبت او را جلب نماید.

### درمان اختلال‌های روانی

بسیاری از اختلالات روانشناختی نظیر اضطراب‌ها، افسردگی‌ها و تنیدگی‌های روانی ناشی از تأثیرپذیری نظام عواطف انسانها است.<sup>۵۷</sup>

با شکل‌گیری نظام حب و بغض دینی ساحت عاطفی وجود، رنگ توحیدی و معنویت می‌پذیرد، و به راحتی تحت تأثیر وقایع و رویدادهای نفسانی واقع نمی‌شود. که این خود می‌تواند راهبردی در مانگانه در اصلاح اختلالات روانشناختی به شمار آید.<sup>۵۸</sup>

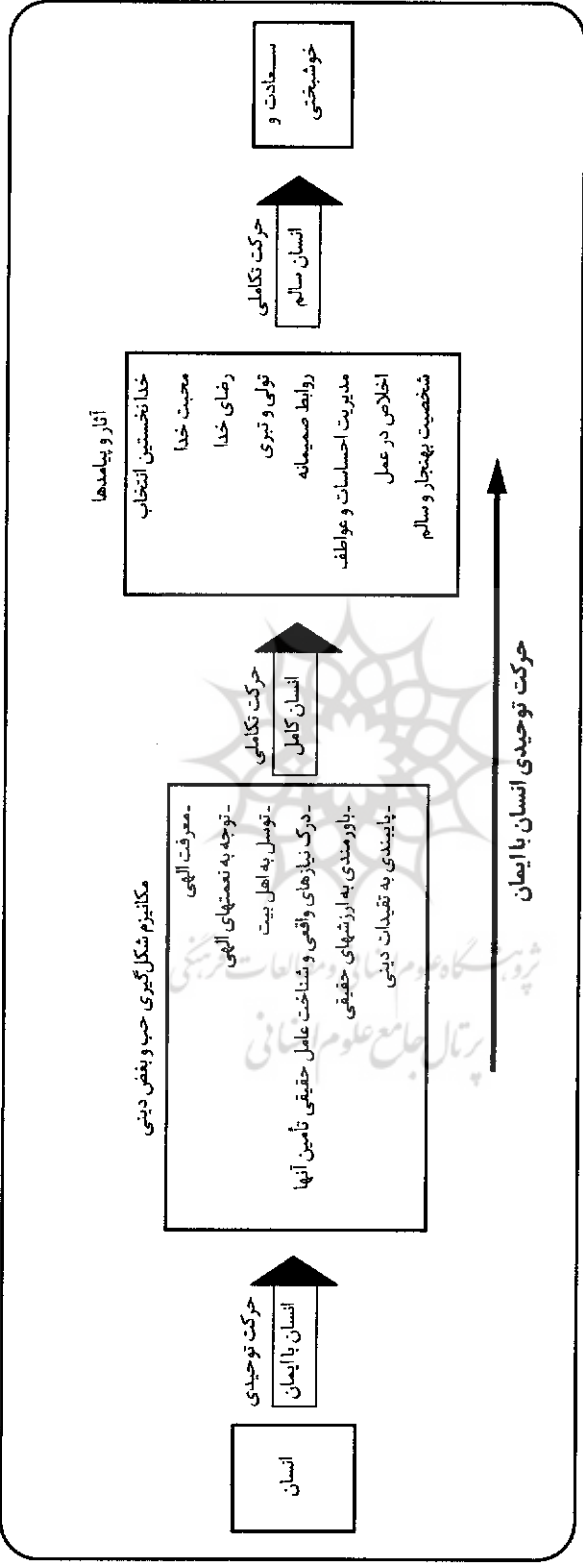
## نتیجه

حب و بغض در نظرگاه اسلامی، تعیین کننده کنش و ریهای موحدانۀ مؤمن است. نظر به تأثیر و تأثر ابعاد معرفتی، عاطفی و رفتاری وجود در همدیگر، موضوع حبّ و بغض نقش مؤثری در شکل‌گیری کلیت شخصیت؛ انسجام سازمان روان‌شناختی، و راه اندازی رفتارهای توحیدی و هدفمند دارد که بی‌گمان کاربست صحیح این فرآیند راهی است به سوی آرامش و سلامت روانی، و تعالی و شکوفایی استعدادهای الهی.

مقاله حاضر پاره‌ای از جنبه‌های روان‌شناختی آن را در کلیت سازمان روانی و رفتاری انسان نشان داد، و به برخی آثار و پیامدهای حب و بغض در قلمرو توصیفی اشاره کرد. امید است با تقویت نظام حب و بغض دینی در سطح فردی و اجتماعی، شاهد تعمیق روزافزون آرامش روانی، تعالی معنوی و شکوفایی روحی برای همه باشیم.



نمودار روان‌شناسی نظام حب و بغض دینی



کنش‌وری خدا محور

## پی‌نوشتها:

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۵.
۲. محمد باقر، مجلسی، مرآة العقول، ج ۸، ص ۲۵۹، دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۳.
۳. البته در اصل اینکه روانشناسی اسلامی داریم یا نه، چالشها و مباحثی هست و صورت‌بندیها و انواعی دارد که بله، می‌توانیم داشته باشیم، اما اینکه به چه صورتی هست، در مجال دیگری قابل بحث و بررسی است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مجموعه مقالات، اولین نشست علمی گروه روان‌شناسی، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۳.
۴. امام محمد، غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۲۷۵.
۵. ر.ک: پاسخها و پرسشها، ج خدائشناسی و فرجام‌شناسی، ص ۹، ناشر: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
۶. ر.ک: محمد تقی مصباح، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۳۶۰-۳۵۹.
۷. محمد باقر مجلسی، مرآة العقول، ج ۸، ص ۲۵۷.
۸. روان‌شناسی دین، جزوه درسی، ۱۳۸۴.
۹. برخی روان‌شناسان معاصر از جمله در یک فروم به روی آورد صرفاً مادی در تحقیقات روان‌شناسی انتقادی کنند. ر.ک: در یک فروم، الدین و التحلیل النفس. به نقل ماهنامه تخصصی معرفت ش ۵۰، ص ۵۸.
۱۰. ر.ک: محمد عثمان، نجاتی، قرآن و روان‌شناسی، مترجم عباس عرب، ص ۵۰.
۱۱. سفینه البحار، ماده «جیب».
۱۲. همان.
۱۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۲.
۱۴. همان، باب الحب و البفض فی الله، حدیث ۵.
۱۵. همان، ص ۱۰۲.
۱۶. بحار الانوار، ج ۶۹ / ص ۲۵۲.
۱۷. سوره شوری / آیه ۲۳.
۱۸. قرآن کریم، سوره فتح، آیه ۲۹.
۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی، راهیان کوی دوست، ص ۱۳۷.
۲۰. بقره / ۱۶۵.

## 21. TeTens.

۲۲. پورسینا، میترا، تأثیر گناه بر معرفت. پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس قم، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵.
۲۳. همان، ص ۱۱۶.
۲۴. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی (ع)، ص ۱۹-۲۰.
۲۵. همان.
۲۶. علامه طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۴۱۱.
۲۷. عاطفه (Affection) معنای متعددی را بر می‌تابد. یکی از آنها که در اینجا مورد نظر است معنای عامی است که احساسات (feeling) و هیجانات (motion) را در بر می‌گیرد.
۲۸. غزالی، امام محمد، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۲۷۵.
۲۹. ر.ک: مصباح، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۳۶۲.

۳۰. ماهنامه تخصصی معرفت، شماره ۶۹، تأثیر بینش بر انگیزش، ص ۴۸.
۳۱. قال المعصوم علیه السلام: لا يمحض رجل الايمان بالله حتى يكون الله احب اليه من نفسه و ابيه واحد و لده و اهله و ماله و من الناس اجمعين. ر.ک: جوادی آملی: حماسه و عرفان ص ۲۳۹.
۳۲. بقره / ۱۶۵.
۳۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۱.
۳۴. آیت الله جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۲، ص ۳۴۹.
۳۵. آیت الله مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، ج ۲، ص ۹۸.
۳۶. آیت الله مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی(ع)، ص ۴۰.
۳۷. إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. اگر خدا را دوست می‌دارید به اطاعت از پیامبر روی آورید، آن گاه خداوند نیز شما را دوست خواهد داشت و گناهان شما را خواهد بخشید که خدا آموزنده و رحیم است. آل عمران / ۳۱.
۳۸. قرآن کریم، هود / ۹۰، بروج / ۱۴.
۳۹. ر.ک: محمدی ری شهری، دوستی در قرآن و حدیث، ص ۳۰۹، حدیث ۹۵۴، ص ۳۳۱.
۴۰. قرآن کریم، زخرف / ۶۷، در این باره همچنین مراجعه کنید: ری شهری، پیشین، ص ۱۰۳.
۴۱. تکرار لعن و نفرین و اظهار دشمنی با ستمگران در جای جای زیارت قدسی عاشورا موجب پیدایش روحیه ظلم ستیزی در زائر می‌شود، او با اعلام برائت و اظهار نفرت از ستمگران و ابراز مودت و محبت بر اولیاء حق و دوستان خانندان عصمت و طهارت، پایه‌های ایمان دینی خود را مستحکم می‌کند، مؤمن واقعی در برابر ستم بی تفاوت و بدون موضع نیست، او از ستمگر نفرت و انزجار آشکار می‌دارد، و با مظلوم و جبهه حق اعلان موافقت و همراهی می‌کند.
۴۲. مفاتیح الجنان، مناجات خمس عشره، مناجات المحبین.
۴۳. محمدی ری شهری، دوستی در قرآن و حدیث، ص ۳۳۲.
۴۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۳.
۴۵. قرآن کریم. یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله و الله هو الغنی الحمید.
۴۶. فان العزة لله جميعاً / نساء / ۱۳۹.
۴۷. ان العزة لله و لله رسوله و للمؤمنین.
۴۸. نساء / ۱۳۹.
۴۹. و ان من شيء الا عندنا خزائنه. حجرات / ۲۱.
۵۰. القلب حرم الله فلا تكن في حرم الله غير الله، ميزان الحكمة، ج ۲، باب محبت فی الله.
۵۱. ر.ک: حر عاملی، محمد، الجواهر السنیه، ص ۱۵۶. مصباح یزدی، محمد تقی، راهیان کوی دوست.
۵۲. آیت الله مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ج ۶، ص ۲۳۳.
۵۳. دیلمی، ارشاد القلوب، باب ۵۴. و، ر.ک: مصباح یزدی، محمد تقی، راهیان کوی دوست، ص ۵۴.
۵۴. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸-۷.
۵۵. ر.ک: روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۲۲۴.
۵۶. سفینه البحار، کلمه «حباب».
۵۷. درمانگری، عقلانی - هیجانی - رفتاری آلبرت الیس - جزوه درسی.
۵۸. ر.ک: نظریه‌های روان‌درمانگری، (درمان عقلانی - هیجانی الیس).